



## فعل وصفی و تحول آن در زبان فارسی

امروز ما پنج یا شش وجه برای فعل داریم: اخباری، التزامی، امری، وصفی، مصدری، تأکیدی. فعل وصفی اسم مفعولی است که کار فعل را می‌کند و با فعلی که غالباً بعد از آن می‌آید و با آن غالباً دارای مسندالیه واحدیست هم‌نشین می‌گردد.

فعل وصفی در قدیم از جمله‌ها و گروه‌های قیدی که با اسم مفعول ساخته می‌شده‌اند بوجود آمده است. مثال:

روح افزا عورت پوشیده به استقبال پهلوان بیرون آمد (سَمَك عیار)

برده برداشته و شبرنگ رادست گرفته در اندرون سرا آوردند (دارا بنامه بیغمی)

از اینرو فعل وصفی در آغاز پیدایش جنبه قیدی و وصفی هم داشته است و با متعلقات خود در حکم قید برای جمله دیگر بوده است ولی از قرن نهم و دهم به بعد جنبه قیدی آن ضعیف شده و از بین رفته است و امروز فقط به اعتبار گذشته نام آن فعل وصفی است بنابراین بهتر است امروز آن را فعل جانشین یا فعل مشترك بنامیم زیرا جانشین فعلهای دیگر میشود. این فعل امروز با اسم مفعولهایی که به تنهایی یا با وابسته‌های خود نقش قید را در جمله بازی میکنند از لحاظ آهنگ تکیه و معنی تفاوت دارد مثال برای اسم مفعولهایی که قیدند نه فعل وصفی: او ندیده عاشق شد، او سرزده وارد شد.

**همنشین فعل وصفی** - فعل وصفی معمولاً در آخر جمله قرار نمی‌گیرد و بعد از آن جمله‌ای می‌آید که فعل آن وصفی نیست ما این فعل را هم‌نشین فعل وصفی می‌نامیم بنابراین فعل وصفی به هم‌نشین نیاز دارد سبب این امر آنست که فعل وصفی بر عطف نیز دلالت میکند یعنی به فعلی معطوف نیازمند است خواه این عطف با واو همراه باشد و خواه نباشد.

\* آقای دکتر خسرو فرشیدورد استاد دانشکده ادبیات دانشگاه تهران از صاحب نظران دانشمندی

ولی گاهی هم فعل وصفی کاملاً همساز و هماهنگ با فعل همنشین نیست مثلاً همنشین گاهی ماضی استمراریست در حالی که فعل وصفی معادل ماضی بعید است:

سیامک در رسید و دوهزار سوار در پیش کرده زنان زنان می آورد (بیغمی ص ۶۹۳ ج ۱)  
به چشمهای او نگاه میکرد و او چشم بر نهاده و حرکت نمی کرد (رستم التواریخ ص ۲۶)  
یا همنشین مضارع اخباریست و فعل وصفی معادل ماضی نقلیست:

چون این خبر به عین الحیوة رسید که پدرش گریخته میآید... از یکنوع شاد شد

(دارابنامه بیغمی ج ۱ ص ۴۳۲)

این مردم يك لافبا که باشکم گرسنه و جیب خالی برد ریچه استغنا تکیه زده قدم را از کنگره عرش پائین تر نمی نهند (جمالزاده)  
امروز آوردن «و» بین فعل وصفی و همنشین چنانکه در بعضی از دستورها نوشته اند غلط نیست:

شهر را بعد از محاصره قهراً و قسراً گرفته و به قتل عام فرمان داد (حبیب السیرج ص ۷۴)  
روح افزا ... شربت آورد و طعام کشیده و گفت ای فرزند... (سمک عبار ج ۱ ص ۷۴)  
همچنین همنشین شدن فعل وصفی با مضارع التزامی و امر نیز غلط نیست: چراغ را خاموش کرده بخواب.

بعضی از اسم مفعولها و فعلها شبیه فعل وصفیند بدون آنکه فعل وصفی باشند. از آن جمله اند:

- ۱- فعلهای کوتاه (ماضی نقلی و ماضی بعید و ماضی التزامی کوتاه) شبه وصفی.
- ۲- اسم مفعولهایی که در جمله کارقید را می کنند. ۳- اسم مفعولهایی که در جمله مکمل یا برداره فعل ناقص متعدیند. ۴- اسم مفعولهایی که صفتند و با موصوف خود فاصله پیدا کرده اند و غیره. برای تمیز اینها از فعل وصفی در این مقاله معیارها و میزانهایی بدست داده شده است.

نقد نظر دستور نویسان درباره فعل وصفی - چون فعل وصفی با بسیاری دیگر از افعال و قیود شبیه است تمیز آن از اینگونه کلمات دشوار است و همچنین تغییر وضع دستوری فعل وصفی که در گذشته جنبه قیدی هم داشته است و تبدیل آن به فعل جانشین که بدون داشتن جنبه قیدی است بر این دشواری افزوده است. از این رو بیشتر دستور نویسان نتوانسته اند نظریات دقیقی در این زمینه اظهار کنند بخصوص کسانی چون بهار که این فعل را در آثار گذشته مورد بحث قرار داده اند.